

دفاع از آب های ایرانی خزر

رضا تقی زاده

۱۳۸۹/۰۸/۲۸

امضاء پروتکل امنیتی در گردهمایی سران کشور های حاشیه خزر در باکو، پیش از دست یافتن به توافق نهایی پیرامون نظام حقوقی تازه، و عدم تعیین قطعی و روشن حدود و حقوق ملی ایران در آبها و منابع کف دریا، میتواند به منع استفاده از ظرفیت های دفاعی در جهت حفظ تمامیت کشور و دفاع از منافع ملی کشور بیانجامد.

اقدام دولت ایران در قبول مفاد پیمان امنیتی تازه خزر تنها زمانی قانوناً تنفیذ خواهد شد که توسط قوه مقننه رسماً مورد تصویب قرار گیرد. از این لحاظ بررسی دقیق سند تازه مسئولیت مستقیم قوه مقننه ایران است.

دولت ایران که در گذشته حتی پیوستن به پروتکل الحاقی منع گسترش سلاحهای هسته ای را موکول به تصویب آن در مجلس ساخته بود مکلف است قبول تعهدات تازه در باکو را به طرح، بررسی و صدور رای نهایی قوه مقننه ایران موکول سازد.

امضاء سند همکاری های امنیتی خزر در باکو توسط رییس دولت در حالی صورت گرفته که کشور همسایه آذربایجان در حدودی که ایران مدعی مالکیت آن است به اکتشاف و بهره برداری از منابع کف دریا مشغول است.

خواسته های اولیه

اعلام حقوق و حدود ایران در آبهای خزر و منابع کف دریا توسط جمهوری اسلامی، از سال ۱۹۹۱ به این سو و پس از انحلال اتحاد شوروی، همواره دستخوش تجدید نظر، تغییر و مالا عقب نشینی محترمانه بوده است.

ایران از ابتدا خواستار استفاده مشاع از دریا و حقوق مساوی ۵۰-۵۰ در آبهای خزر بود. این خواسته و روش برخورد با آن، همراه با تغییر دولت های وقت در تهران تغییر کرد.

در مورد استفاده مشاع از آبهای خزر، بدون در نظر گرفتن نسبت سهم ایران، در ابتدا مسکو با تهران هم نظر بود.

بعد از تثبیت نسبی موقعیت خود در خزر و گرفتن سهم کافی از منابع نفت و گاز کف دریا بخصوص در آذربایجان، روسیه تدریجاً از ایران فاصله گرفت و به سه کشور دیگر ساحلی نزدیک شد.

در ژوئیه سال ۱۹۹۸ بوریس یلتسین رییس جمهور وقت روسیه، بی اعتنا به دعاوی ایران، با قزاقستان قراردادی را در زمینه تعیین حدود ملی خود در خزر به امضاء رساند.

ایران متعاقباً خواسته های خود را در خزر تعدیل کرد و از پنجاه در صد به داشتن ۲۰ درصد سهم از آبهای و منابع کف دریا رضایت داد.

ایران تلویحاً به تقسیم آب و منابع کف دریای خزر به بخشهای ملی نیز رضایت داد مشروط بر اینکه تقسیم حدود ملی هر کشور با رعایت حقوق مساوی و بر اساس سهم در صد صورت گیرد.

حوزه البرز در خزر

بمنظور احراز حقوق و تثبیت حدود و بهره برداری از آنها، ایران در سال ۱۹۹۸ یکی از حوزه های

شناخته شده نفت در خزر را که با هر روش تقسیم در منطقه آبهای متعلق به ایران قرار میگیرد، بمنظور لرزه نگاری و اکتشاف مورد استفاده قرار داد.

این حوزه که البرز نامیده میشود در شمال محور آستارا-حسینقلی و در جنوب غربی آبهای خزر قرار دارد. جمهوری آذربایجان مدعی حوزه البرز است و آنرا الاف میخواند. این حوزه در آبهای عمیق دریای خزر واقع شده و اکتشاف و بهره برداری از آن نیازمند نصب سکوی دریایی ثابت و استفاده از تکنولوژی آبهای عمیق است که در حال حاضر در اختیار ایران نیست.

در سال ۱۹۹۹ و بعد از انجام امور لرزه نگاری توسط شرکت بریتانیایی لاسمو و شل، شرکت نفت ایران از یک شرکت نروژی بنام فوگرو برای ادامه لرزه نگاری ۲ بعدی در آن حوزه دعوت بعمل آورد و در نوامبر همان سال یک کشتی روسی بنام نالیوکین برای انجام این ماموریت عازم ایران شد.

در آن زمان الهام علیف رییس جمهور کنونی آذربایجان و فرزند رییس جمهور سابق، حیدر علیف، که معاون شرکت نفت آذربایجان (سوکار) بود با این ادعا که حوزه البرز در آبهای جنوبی جمهوری آذربایجان قرار دارد، مدیر شرکت فوگرو در باکو را احضار و تهدید کرد که در صورت ادامه کار در البرز تمامی سرمایه های شرکت یاد شده را در آذربایجان مصادر خواهد کرد.

آذربایجان حوزه البرز را در محدوده ملی خود و مشمول مناطق مربوط به قرارداد اکتشاف و بهره برداری با کنسرسیوم تشکیل شده در آن کشور میدانند.

ملاحظات حدود ملی

اختلاف نظر بر سر مالکیت و حقوق بهره برداری از حوزه البرز در خزر تنها بخشی از ملاحظات امنیتی و اقتصادی و زیست محیطی وسیعتر در خزر است. ملاحظاتی که چهار کشور دیگر همسایه خزر بجز ایران در جهت حفظ مصالح خود بسیار جدی گرفته اند.

این ملاحظات حتی با وجود اختلاف نظر های مشابه پیرامون حدود ملی مابین آذربایجان و ترکمنستان بر سر تعیین خط میانه در سواحل خود در خزر و قبول و یا رد دماغه آپشورن (آبشوران) بعنوان نقطه ساحلی آذربایجان، مانع از بهره برداری آنها از منابع خزر نشده، حال آنکه ایران تنها به امضاء کردن سند و تشکیل جلسه و بحث و گفتگو پیرامون حقوق خود در خزر بسنده کرده است.

امضاء سند همکاری های امنیتی نیز پیش از دست یافتن به یک توافق جمعی پیرامون نظام حقوقی تازه در خزر از این قاعده مستثنی نیست. روسیه با تکیه بر این سند مانع از حضور ناتو در همسایگی خود خواهد شد و آذربایجان که با پیشروی در حدود ملی ایران در خزر عملاً مشغول بهره برداری از این منابع است، وضع موجود را بیش از پیش تثبیت شده خواهد دید.

در مورد تقسیم خزر به حدود ملی کشور های ساحلی، بیشتر، حیدر علیف رییس جمهور قبلی آذربایجان گفته است: "مشکل، رسیدن به تفاهم با ایران است. در این مورد من از پوتین خواسته ام در مورد یافتن راه حلی برای بن بست مربوط به نظام حقوقی دریای خزر، زبان مشترکی را با ایران بیابد. اعتقاد به داشتن سهم برابر از سطح و کف دریای خزر معقول نیست."

پنجسال بعد از آن و در زمان رییس جمهوری الهام علیف، رییس جمهور ایران ظاهراً در جهت حل "مشکل ایران" گام برداشته و سندی را در باکو امضاء کرده است که رعایت آن عملاً استفاده از ظرفیتهای دفاعی در جهت تامین حدود و حقوق ملی کشور را منع میکند.

کاربرد ظرفیت های دفاعی

بی شک استقرار آرامش و حفظ صلح و عدم استفاده از ظرفیتهای نظامی و قابلیت های دفاعی در هر منطقه و مابین هر دو یا چند کشور همسایه، شرایطی آرمانی و کمال مطلوب است، مشروط بر آنکه تمامیت ملی کشور های همسایه رعایت و حقوق عادلانه آنها برسمیت شناخته شده باشد.

در غیر این صورت ایجاد قابلیت‌های دفاعی توجیه عقلی خود را از دست می‌دهند. ادامه وضع موجود و اعلام منطقه صلح در دریای خزر و حتی اعلام موافقت با منع استفاده از نیروهای نظامی در خزر زمانی شیرین و موثر خواهد بود که پیشتر حقوق ملکی تمامی ۵ کشور همسایه در خزر تعیین شده باشد.

آقای احمدی نژاد در باکو و هنگام امضاء بیانیه پایانی کنفرانس سران و سند همکاری های امنیتی کشور های حاشیه خزر ابراز امیدواری کرده است که تا سال ۲۰۱۱ نظام حقوق تازه در این دریا به نتیجه نهایی برسد. میباید امیدوار بود که در طول یک سال آینده، تعدیل تازه ای در تعیین حدود و حقوق ایران در خزر دست یافتن به هدف یاد شده را زمینه ساز نشود!

+++++

برچیده تیرستان از رادیو فردا 2010-11-19

http://www.radiofarda.com/content/f3_caspian_Iran/2225130.html